کلیشه و تکرار در کلاس انشا

مهری حقانی

خانم معلم گفته بود یک انشا به دلخواه خودتان بنویسید. دوست من درباره یک مغازه نوشته بود که پر از خوردنی است و او آنها را خیلی دوست دارد. خانم معلم گفت: اگر یک بار دیگر این گونه بنویسی از کلاس بیرونت می کنم. مثلاً نوشته بود من شکلات خیلی دوست دارم. پس موضوع دلخواه یعنی چه؟ مثلاً باید در مورد مدرسه و این گونه جاهامی نوشت. یا در مورد جامعه؟

روش انشانویسی در مدرسه ها، با گذشت زمان، تقریباً دست نخورده باقی مانده است. دفترهای انشای دانش آموزان پنجاه شصت سال پیش که گاه باقی مانده نشان می دهد که در آن روزگار هم دانش آموزان درباره مقام والای معلم، مادر، پاییز و ضرورت دوری از معاشر بد همان کلماتی را می نوشته اند که بعدها نوه هایشان. مقایسه علم و ثروت و اثبات برتری اولی با کمک یک رشته شعارهای کلیشه ای برای مدتها جزو برنامه کلاسهای انشا بوده است و در نهایت آنکه دانش آموزان از درس انشای فارسی استقبال نمی کنند و ترجیح می دهند این کلاس به چیزهایی غیر از نوشتن و خواندن درباره موضوعی بگذرد. اما در اصل کلاس انشا چه خاصیتی برای دانش آموزان راهنمایی یا دبیرستان دارد؟

انشا به عنوان آموزش زبان فارسی و تمرین درست نوشتن، انشا به عنوان تمرین برای تخیل خلاق و آفرینش ادبی - هنری و انشا به عنوان آموزش اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و فرهنگی کاربرد دارد. در نامه نگاریهای ایرانی معمولاً جمله ها چندین بار تکرار می شوند، هرچندچنین چیزی به فرهنگ عمومی موجود برمی گردد. حاشیه روی بیش از حد، تکرار، تعارف و پیچیدگی اصل موضوع در فرع و حواشی. به همین ترتیب هم به ندرت می توان نامه ای را یافت که پر از حشو و زوایدنباشد، نویسنده هر موضوعی را چندین بار تکرار نکرده باشد ،دارای پاراگراف بندی باشد، یا به شکلی باشد که خواننده به آسانی دریابد، درباره چه موضوعی است. کیفیت های ادبی برای هرنوشته ای، چه نامه و چه غیر آن، ارزشمند است و این کیفیت ها هم آموختنی است.

مهتاب میرمعزی در نزدیک به ۵۰۰ انشایی که بررسی کرده به این نکات پی برده که اشتباههای املایی فراوان بود. مشکل نوآموزان معمولاً این است که کلماتی را شنیده اند اما نمی دانند املای دقیق آنها چگونه است. با این حال آموزگار نباید به دانش آموز بگوید که تا آنشاندن با املا و تلفظ و معنی هر لغتی از به کاربردن آن در انشایش خودداری کند. چون هدف انشانویسی تمرین پرورش خلاقیت و گردآوری همه آموخته هاست. بدین ترتیب کلاس انشا، ارزش آن را دارد که جایی بسیار مهمتر و بالاتر از زنگ سرگرمی و تفریح پیدا کند. با این حال انشاهایی هم هستند که این اشتباهها را داشته اما نمره های خوبی گرفته اند. پیداست که معلم هنگام نمره دادن و امضا کردن آن به متن انشا توجه نکرده است.

البته وفور اشتباه درقواعددستوری تا این اندازه نیست. به جز در مورد اشتباهها و عادتهای بدی که رادیو - تلویزیون در میان مردم رواج داده مانند کاربرد نابجای را ،که ساختار دستوری زبان فارسی را روز به روز بیشتر به هم می ریزد و افراط در مصرف فعل داشتن. قواعد نقطه گذاری یا سجاوندی تا حد زیادی قراردادی هستند و برای بهتر خوانده شدن به کار می روند که به مرور بخشی از سبک نگارش فرد می شوند . با این حال، کاربرد اصولی و صحیح علایم نقطه گذاری حتی در میان بزرگسالان تحصیلکرده هم کم دیده می شود.

از دیگر جنبه های کلاس انشا، تشویق دانش آموزان به تمرین نوشتن به عنوان فعالیتی هنری و هنرمندانه است. مهتاب میرمعزی پژوهشگر دراین مورد می گوید: از نظر سبک ادبی، روش مطلوب انشانویسی درمدرسه ها و کلاً جامعه و فرهنگ ایران، پیروی از مکتب رمانتیسم است. از ابتدای پیدایش مدرسه در کشور ما، نوشته ادبی و ادبیات سبک رمانتیک، یکسان فرض شده. هنوز نوشته خوب مانند نوشته های رمانتیسم های قرن نوزدهم تلقی می شود. از این دیدگاه، همه چیز از دیدگاهی احساساتی و نه حسی و عینی معنی می شود. چهار فصل نه در معنی تغییرات روشن و قابل حس هوا و طبیعت و شیوه های زندگی انسان و دیگر جانداران و مادر نه یک شهروند جامعه و یکی از اعضای خانواده بلکه فرشته ای است که از آسمان به زمین آمده. با این همه، برخلاف آنچه به نظر می رسد ،ساده اما دلپذیر نوشتن بسیار مشکل تر از پیچیده نوشتن است. نویسندگان حرفه ای سالها وقت صرف می کنند تا بتوانند ساده و بی پیرایه اما محکم، قانع کننده و سبک وار بنویسند.

فخرالدین پورنصری نژاد، فارغ التحصیل فلسفه که در یکی از دبیرستان های تهران تدریس می کند اعتقاد دارد در انشانویسی اصل را باید بر برداشتها، تفکر و پرداخت به موضوع گذاشت نه بر ابزارهای زبانی. اما به سبک هم باید توجه کرد. درمورد توصیف یک روز بارانی، یکی می نویسد: آسمان ابری است، باران می بارد، ماشینها رد می شوندو آب می پاشند و دیگری می نویسد: «آسمان گرفته، آسمان عبوس است، باران به زمین شلاق می زند.» اینها چیزهایی است که ارزش کار شاگرد را بالا می برد. رنگ و بوی ادبی دادن به نوشتار است که اهمیت دارد. انشاهایی که وزن دارند و انگیزاننده هستند، افق وسیعتری را باز می کنند. یا در مورد استعاره و ایهام شاگردی که در انشای خود برای مقایسه فکر امروز با فکر پنج سال پیش می نویسد،« کفش پنج سال پیش من دیگر به پایم نمی خورد.» ارزش متفاوتی دارد. با این همه در پرورش قریحه نویسندگی در دانش آموزان نباید بر کلیشه ها تأکید کرد. احساسات زمانی، ارزش واقعی دارند که در درون فرد و از روی تجربه های حسی و به مرور زمان پرورانده شده باشند. اما احساس غیرکلیشه ای جهان با دید حسی و شخصی نیز می تواند فصل نویی در ادراک و تجربه نوشتن دانش آموزان باشد دانش آموزی که درخاطره اش می نویسد : صف بنزین به دوکیلومتر می رسید. هرچه بستنی و شکلات خوردیم بازهم صف تمام نشد، بالاخره نوبت ما رسید... چنین بیانی به مراتب بیش از توصیفی کلاسیک و قالبی گویای ملال یک نوجوان از کمبود مواد سوختی و انتظار کشیدن در صف بنزین است.

موضوع و مضمون انشا رفته رفته از مباحث نظری فاصله می گیرد و به موضوعهای تجربی گرایش پیدا می کند، اما روند این دگرگونی کند است. تمایل نهفته درنظام آموزشی که دانش آموزان را طوطی وار دست آموز بار بیاورد، همچنان حاکم است. اشکال اساسی کلاس انشا این است که جای چندانی برای خلاقیت و نوآوری ندارد. زهرا خانلری معلم از زمان تحصیل خودش می گوید که برای امتحان نهایی ششم ابتدایی، انشایی درباره مادر از حفظ کرده بودم و قتی معلم مرا صدا کرد از روی دفتر سفید آن را خواندم. معلم گفت آفرین ۱۷ اما وقتی دفترم راگرفت و فهمید صفحه سفید است عصبانی شد و به من صفر داد. آن معلم می توانست بدون تأیید اصل علم، ابتکار نامطلوب دانش آموز را از جنبه یادگیری از طریق حفظ کردن بررسی کند.

مسأله دیگر زنگ های انشا این است که کمتر نشانی از آموزش مدنی می توان دید. آموزش مدنی به معنای طرح یک پرسش همگانی، بحث در مورد پاسخهای ممکن و انتخاب یا پیشنهاد بهترین راه حل. مباحث چنان بدیهی فرض می شوند که گویا دانش آموز از روز تولد آنها را می دانسته و بعد اینکه تفاوتی بین میزان شناخت و درک بزرگسالان و کودکان دیده نمی شود. موضوع های انشا اغلب بدین صورت هستند. نقش زن در جامعه امروزی، سرگذشت میز و نیمکت، نقش رادیو و تلویزیون در جامعه، ... نقش زن در جامعه امروزی حتی برای یک سمینار کسالت آور اداری هم بیش از حد کلی است تا چه رسد برای انشا.

دیدی که به انشا وجود دارد می گوید نباید دانش آموز از تجربه های شخصی و دریافتهای حسی خویش حرف بزند و از راه بیان افکار خویش به تمرین خلاقیت هنری و ادبی بپردازد البته طرز فکر معلم نیز مؤثر است. ضرورت داشتن چندعقیده متفاوت برای روز مبادا لازم